

تشیع پیکر زنده یاد محمد کاسبی از مقابل حوزه هنری

تشییع پیکر زنده یاد محمد کاسبی فردا ساعت ۹ صبح از مقابل حوزه هنری به سمت بهشت زهرا (س) خواهد بود.
محمد رضا باقری، مدیر روابط عمومی حوزه هنری با اشاره به جزئیات تشییع پیکر زنده یاد محمد کاسبی به مهر گفت: مراسم تشییع پیکر وی از مقابل حوزه هنری به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) انجام می شود.
وی در پایان گفت: آقای کاسبی از موسسان حوزه هنری و از هنرمندان بنام و پیشکسوت هنر انقلاب بوده است که دین بالایی هم به گردن هنر انقلاب داشته است. تشییع پیکر وی از حوزه هنری نیز با تصمیم خانواده اش و حوزه هنری انجام خواهد گرفت.

«کاسبی» به روایت ۳ هنرمند

از حوزه هنری تا ماندگارترین نقش ها

محسن علی اکبری، تهیه کننده شناخته شده تلویزیون و سازنده سریال هایی چون «مریم مقدس»، در گفت وگو با جام جم از سال های دوستی و همکاری اش با محمد کاسبی روایت می کند: دوستی ای که از همان روزهای آغازین دهه ۶۰ در حوزه هنری شکل گرفت و تا آخرین روزهای زندگی این هنرمند ادامه داشت. او می گوید: «من و آقای کاسبی جزو بچه های قدیمی حوزه هنری هستیم. تقریباً از سال ۱۳۶۰ با هم کارمان را شروع کردیم. ایشان بیشتر هم در عرصه تئاتر فعال بود و سابقه دانشگاهی و تجربه بالایی داشت. بعد از انقلاب به حوزه هنری پیوست و خیلی زود تبدیل شد به یکی از چهره های تاثیرگذار در شکل گیری سینما و تئاتر انقلاب.» به گفته علی اکبری، فضای آن روزهای حوزه هنری پر از رفاقت و همدلی بود: «از زمان همه چیز صمیمی تر بود. هرکس، هم بازیگر بود هم گاهی کارگردانی می کرد، هم تهیه کنندگی و حتی گریم، همه در کنار هم یک هدف داشتند. این صمیمیت در آثاری که تولید می شد انعکاس پیدا می کرد و باعث موفقیت کارهای می شد. محمد کاسبی هم دقیقاً همین روحیه را داشت؛ با تمام وجود مخالف فاصله گذاری بود. برایش مهم نبود سوارستار باشد یا اسمش بالای تیتراژ بیاید، مهم این بود که دوستی ها و رفاقت ها پایدار بماند.» او ادامه می دهد: «کاسبی همیشه می گفت سینما بدون رفاقت، چیزی کم دارد. این اعتقاد باعث شده بود حتی پشت صحنه هم به همه انرژی بدهد. اگر مشکلی پیش می آمد، اولین کسی بود که پاپیش می گذاشت و گرگ را باز می کرد.»

درخشش در «مریم مقدس» و «خوش رکاب»

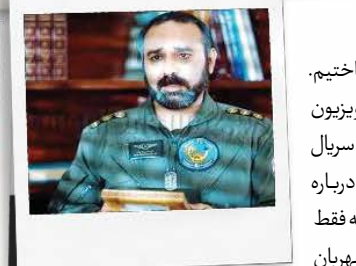
یکی از نقاط مشترک علی اکبری و کاسبی، سریال «مریم مقدس» است؛ اثری تاریخی و ماندگار که کاسبی در آن نقش اصلی و دشواری را بر عهده داشت. علی اکبری یادآور می شود: «نقش حضرت زکریا نقشی سخت و سنگین بود اما کاسبی به بهترین شکل آن را ایفا کرد. او تمام توانش را برای این نقش گذاشت و نتیجه اش ماندگار شد. همین طور در سریال «خوش رکاب»، که طنز موقعیت بود و مردم به آن علاقه زیادی داشتند، بار زیادی از کار روی دوش او بود. در هر دو پروژه نه تنها به عنوان بازیگر بلکه به عنوان یک همراه واقعی برای تیم عمل کرد. همیشه می گفتیم وجودش مثل ستون کار است.» محسن علی اکبری با حسرت ادامه می دهد: «از دست دادن محمد کاسبی برای سینما و تلویزیون خیلی سنگین است. آدمی مثل او به راحتی تکرار نمی شود. متأسفانه ما همیشه قدر بزرگان مان را بعد از رفتن شان می دانیم. همین امروز هم استاد علی نصیریان در میان ماست اما کمتر به اندازه ای که باید از او تقدیر می شود. در مورد مرحوم کاسبی هم همین طور بود. کاش در زمان حیات این عزیزان، از آنها تجلیل کنیم.» به گفته علی اکبری، کاسبی هیچگاه دغدغه مالی در اولویت اولش نبود: «محمد دنبال کار خوب بود، نه دستمزد بالا. برایش مهم بود اثری که در آن حضور دارد ماندگار شود. به فیلمنامه، پیام اثر و تاثیر آن روی مخاطب اهمیت ویژه می داد. واقعا عاشقانه بازی می کرد. پول و قرارداد همیشه مساله بعدی اش بود.» او اضافه می کند: «وقتی وارد پروژه ای می شد، می دانستیم که از جان و دل مایه می گذارد. هیچ وقت نمی گفت «این سکانس کم اهمیت است.» برای او همه نقش ها ارزش یکسان داشتند.»

علاقه به تاریخ و قصه های قرآنی

یکی دیگر از ویژگی های بارز او، انتخاب آگاهانه نقش ها بود: «بیشتر علاقه اش به کارهای تاریخی و قرآنی بود. معتقد بود آثار ژانر اجتماعی زودگذر است اما یک اثر قرآنی یا تاریخی ماندگار می شود. وقت می گذاشت، زندگی اش را وقف همان نقش می کرد و به همین دلیل هم کارنامه اش پر از آثار اثرگذار است.» علی اکبری در ادامه تأکید می کند: «کاسبی همیشه می گفت دوست دارم در آثاری بازی کنم که فرزندانم و نسل های بعدی وقتی می بینند، حس کنند این نقش ارزش دوباره دیدن دارد. همین نگاه باعث می شد از بعضی پروژه های بریزق و برق صرف نظر کند.» علی اکبری در پایان می گوید: «محمد کاسبی فقط یک بازیگر نبود، او یک رفیق، یک هم سنگر و یک همراه برای همه ما بود. فقدانش جای خالی بزرگی به جای می گذارد اما آنچه از او باقی مانده، نقشی است که در حافظه مردم جاودانه شده است.»

خاطره های خوش «خوش رکاب»

مریم سعادت، بازیگر شناخته شده تلویزیون و سینما، در غم از دست دادن محمد کاسبی به سختی می تواند کلماتش را پیدا کند. او که در سریال های ماندگاری چون «خوش رکاب» و «خوش غیرت» در نقش همسر کاسبی مقابل او بازی کرده است، از خاطرات شیرین و صمیمیت مثال زدنی این هنرمند می گوید: «خودم هنوز شوکه هستم. چند روز پیش شنیدم آقای کاسبی در بیمارستان بستری شده است. خیلی تلاش کردم تلفنی پیدا کنم و تماس بگیرم اما نشد. امروز وقتی در اینستاگرام گشتی زدم، خبر درگذشت ایشان را دیدم. ای بابا... واقعا متاثر شدم. نمی توانم چیزی بگویم. ناراحت شدم،

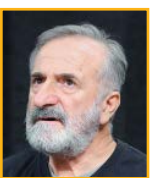


چون برایم مثل یک فامیل بودند؛ حتی اگر سال ها از هم خبر نداشتیم، مهرشان از دل من کم نمی شد.» سعادت در مرور خاطراتش، به تجربه همکاری در سریال خوش رکاب اشاره می کند: مجموعه ای که هنوز هم در ذهن مخاطبان زنده است: «یکی از بهترین پارتیهایی که در زندگی کاری ام داشتم، محمد کاسبی بود. واقعا بازیگر درجه یکی بود و در کنار خدا بیامرز فتحعلی اویسی، ترکیب کم نظیری ساختیم. خوش رکاب یکی از ماندگارترین کارهای تلویزیون شد و هنوز هم مردم از آن یاد می کنند. این سریال دوران بسیار خوبی برای همه ما بود.» او درباره خلق و خوی کاسبی می گوید: «آقای کاسبی نه فقط با من، که با همه عوامل سریال صمیمی و مهربان بود. خیلی آرام و راحت کارش را می کردند و رابطه دوستانه ای با همه داشت. این ویژگی باعث شد همه ما خاطره های خیلی خوبی از آن روزها داشته باشیم. او فضا را برای همه، حتی جوان ترها، امن و صمیمی می کرد؛ این چیزی است که شاید در نسل های بعدی کمتر دیده شود.»

میراث یک بازیگر مردمی

سعادت خاطره ای از هم نسل کاسبی، فتحعلی اویسی، تعریف می کند: «یادم است قبل از این که در «بدون شرح» با آقای اویسی همکار شوم، همیشه فکر می کردم از چهره اش معلوم است کار با او سخت باشد اما وقتی کنارشان قرار گرفتم، دیدم بی آزارترین آدمی است که در کار هنری دیده ام. همیشه آرام، بی صدا، اهل مطالعه و کتابخوانی بود. آقای کاسبی برعکس او بود؛ پرانرژی تر، راحت تر و سرزنده تر. ولی هر دو یک ویژگی مشترک داشتند: احترام و مهربانی با همه.» سعادت درباره جایگاه کاسبی در تلویزیون هم گفت: «آقای کاسبی شاید پرکار نبود اما محضورش همیشه متفاوت و به یادماندنی بود. مردم او را بیشتر با «خوش رکاب» شناختند، هرچند سال ها پیش از آن در کارهای هنری حضور داشت. بعد از خوش رکاب هم هر جا که بود، یک حضور شیرین و دلچسب داشت. همین باعث شد در ذهن همه به عنوان بازیگری صمیمی، صادق و دوست داشتنی ماندگار شود.» در پایان، مریم سعادت با اندوه از فقدان همکار قدیمی اش می گوید: «برای من هنوز باورش سخت است. انگار یکی از اعضای خانواده ام را از دست داده ام. آقای کاسبی نه فقط یک بازیگر، بلکه یک رفیق واقعی بود. امیدوارم نسل جدید قرائین منش و اخلاقی را بداند؛ چون آدم هایی مثل او اویسی دیگر تکرارشدنی نیستند.»

رحمان و سیروس هنوز در یاد مردم زنده اند



مهران رجبی، بازیگر شناخته شده سینما و تلویزیون، سال ها با محمد کاسبی دوستی و همکاری داشت. اولین بار در سریال برطرفدار «سه در چهار» مقابل هم قرار گرفتند؛ جایی که او نقش «سیروس» و کاسبی نقش «رحمان» را بازی می کرد. رجبی می گوید هنوز هم بعد از گذشت سال ها، مردم وقتی او را می بینند، از سریال و آن زوج خاطره انگیز یاد می کنند. رجبی در روایت نخستین همکاری اش با کاسبی می گوید: «شروع کار ما آشنایی مان در خریال سه در چهار بود؛ سریالی ساده، بی ریا و دلی که بارها و بارها توسط ملت ایران دیده شد و هنوز هم مردم آن را تماشا می کنند. آقای کاسبی سرزنده و پرانرژی بودند. نقش رحمان و سیروس کنار هم خیلی گرفت و به دل مردم نشست.»

رگ گویی و ایمان بی پروای کاسبی

رجبی درباره ویژگی های شخصیتی دوستش می گوید: «آقای کاسبی خیلی رک و مؤمن بود. ما مؤمن زیاد داریم اما خیلی ها صریح حرف نمی زنند. ایشان با صراحت عقیده اش را بیان می کرد. می گفت اگر کسی عقیده ای دارد و آن را مطلوب می داند، باید با شجاعت بگوید. وقتی باطل این همه پرزنگ خودش را تبلیغ می کند، چرا حق باید خجالت بکشد؟ این صراحت و شجاعت در بیان، ویژگی مهم کاسبی بود.» رجبی با لبخند به خاطرات مشترک شان اشاره می کند: «در پشت صحنه سریال همیشه با هم شوخی می کردیم. یک رفاقت واقعی بین ما بود. یادم است یک بار گفت: «مهران! باشو برویم کنار دریا یک دوری بزنیم؛ با همان لپچه شیرین خودش گفت. از شیرگاه ۷۰ کیلومتر رفتیم تا کنار دریا. سرما شدید بود و فقط هفت هشت دقیقه ماندیم و برگشتیم. در راه برگشت مدام غر می زد که چرا آمدیم! این خاطره برای همیشه در ذهنم ماندگار شد. او حتی در سختی ها هم شوخ طبعی اش را از دست نمی داد.» رجبی در پایان می گوید: «هنوز هم وقتی در خیابان قدم می زنم، مردم از رحمان و سیروس یاد می کنند. این نشان می دهد سریال سه در چهار و بازی محمد کاسبی چقدر در دل مردم نشست. رفتش برای من یک فقدان شخصی بزرگ است اما برای مردم هم همین طور؛ چون بازیگری مردمی، صادق و صمیمی بود.»

هنرمندی که تصویری شریف به جا گذاشت

بعد از درگذشت محمد کاسبی، هنرمند پیشکسوت تلویزیون و سینما، رئیس قوه قضاییه درگذشت این هنرمند را تسلیت گفت.
حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه ای در پیام تسلیت خود گفت: «درگذشت هنرمند و سینماگر متعهد و انقلابی، مرحوم محمد کاسبی رابه جامعه هنری کشور و به خانواده گرامی اش تسلیت می گویم. از خداوند متعال رحمت و مغفرت برای آن فقید سعید و صبر و اجر برای بازماندگان مسالت دارم.» همچنین وزیر فرهنگ و ارشاد نیز درگذشت این هنرمند را تسلیت گفت.

کارنامه یک بازیگر

کارنامه هنری زنده یاد کاسبی، وزین و نشان دهنده یک عمر فعالیت در مسیر هنر است. محمد کاسبی، لیسانس بازیگری و کارگردانی، تئاتر و سینما از دانشکده هنرهای دراماتیک را در سال ۱۳۶۰ دریافت کرد و بعدها مدرک و گواهی درجه ۲ هنر معادل فوق لیسانس و نشان درجه ۱ هنر معادل درجه دکترا را کسب کرد. از جمله فعالیت های او در عرصه بازیگری و کارگردانی در تئاتر که از ابتدای دهه ۵۰ آغاز شد، می توان به نمایش های عنکبوت، شاهسون ها، بابا نان داد، بلبل سرگشته، کارول، شهید، غروب روزهای آخر پائیز، مترسک هادر شب، مسافران، مرگ در پائیز، در انتظار کودو، در مه پخوان، مهتابی برای محرومین، مدآه، پهلوان اکبر می میرد، یک نمایش طولانی، نهضت حروفیه و بایگانی اشاره کرد.

آثار سینمایی و سریالی او عبارتند از: توبه نصوح(۱۳۶۱)، مرگ دیگری(۱۳۶۱)، استعاده(۱۳۶۲)، دو چشم بی سو(۱۳۶۲)، هودج(۱۳۶۲)، زنگ ها(۱۳۶۳)، بایکوت (۱۳۶۴)، قاصد(۱۳۶۵)، بحران(۱۳۶۶): امروز فلسطین(۱۳۶۷)، شنا در زمستان(۱۳۶۷) نویسنده و کارگردان، بدوک(۱۳۷۰)، بناهنده(۱۳۷۲)، حمله به اچ ۳(۱۳۷۳)، دایره سرخ(۱۳۷۳)، براده های خورشید(۱۳۷۴)، پندر(۱۳۷۴)، کمین(۱۳۷۴)، دنیای وارونه(۱۳۷۵)، همسفر، مسافر(۱۳۷۶)، مریم مقدس(۱۳۷۸)، سریال دلبر آهنی(۱۳۷۹)، عزیزم من کوک نیستم(۱۳۸۰)، سریال زمانی برای خاکستر(۱۳۸۱)، سریال ممها(۱۳۸۱)، سریال خوش رکاب(۱۳۸۱)، سریال ۵۰ مثبت(۱۳۸۲)، سریال کاکتوس ۳(۱۳۸۳)، سریال روح مهربان(۱۳۸۳)، سریال خوش غیرت(۱۳۸۳)، عروسک فرنگی(۱۳۸۴)، سریال پای پیاده (۱۳۸۴)، نمایشوبش(۱۳۸۵)، سریال صاحب دلان(۱۳۸۵)، سریال تاصبیح(۱۳۸۵)، دیوار(۱۳۸۶)، سریال سرنوشت(۱۳۸۶)، سریال سه در چهار(۱۳۸۶)، نقطه شوم(۱۳۸۷)، ماه روی سکو(۱۳۸۷)، قتل هرگز(۱۳۸۷)، پسر ها سرباز به دنیا نمی آیند(۱۳۸۷)، آخرین سرقت(۱۳۸۷)، نفوذی(۱۳۸۷)، سریال لطفا دور نزنیم(۱۳۸۸)، تاحضور(۱۳۸۸)، نزدیک تر بیار(۱۳۸۸)، سریال زن بابا(۱۳۸۸)، یک بام و دوهوا(۱۳۸۹)، آسمان هشتم(۱۳۸۹)، بدون اجازه(۱۳۸۹)، سریال خوش نشین ها(۱۳۸۹)، سریال سه دونگ، سه دونگ(۱۳۹۰)، سریال فراموشی(۱۳۹۰)، یاور(۱۳۹۱)، سریال خوب، بد، زشت(۱۳۹۲)، سریال همسفر خورشید(۱۳۹۳)، سریال حانیه(۱۳۹۳)، رفقای خوب(۱۳۹۴)، همه جا آب بود، همه جا نور بود(۱۳۹۴)، رفقای خوب(۱۳۹۴)، کمی آنسو تر(۱۳۹۳)، جاده لغزنده است(۱۳۹۴)، امپراطور جهنم(۱۳۹۵)، سریال بچه مهندس(۱۳۹۶)، سریال سر دلبران(۱۳۹۶)، ترانه های آتش(۱۳۹۷) و سریال دادستان(۱۳۹۸). همچنین او نویسنده ی کارگردانی، تدوین و بازیگری سریالی به نام «شته ها» را در کارنامه داشت که شش قسمت آن در حوزه هنری ساخته شد ولی به دلیل نشان دادن واقعیت های اجتماعی از ادامه ساخت آن توسط شهردار وقت تهران جلوگیری شد. کاسبی همچنین سال ها فعالیت در دوبلوری فیلم و گویندگی در برنامه های رادیویی را نیز در کارنامه دارد.

از فعالیت های مدیریتی کاسبی می توان به نخستین مسئول اداره نمایش رادیو از روز پیروزی انقلاب اسلامی به مدت دو سال، موسس مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد، از اعضای موسس حوزه هنری در اوایل سال ۱۳۵۸، مسئول بازیینی و صدور پروانه نمایشی فیلم های سینمایی در دو سال ابتدای انقلاب، حضور فعال و مدیریتی در مجموعه تئاتر شهر، اولین مسئول واحد تئاتر حوزه هنری، نخستین مسئول امور شهرستان های حوزه هنری، از اعضای شورای فیلمنامه حوزه هنری، از اعضای شورای فیلمنامه بنیاد سینمایی فارابی، دبیر جشنواره فیلم دفاع مقدس در مشهد و دبیر اولین جشنواره تئاتر حوزه هنری در گیلان اشاره کرد. او همچنین مشاور و مدیر تئاترهای سالن های نمایش مجموعه تئاتر شهر تهران و عضو پیوسته شورای نمایش فرهنگستان هنر بوده است.

نوجوانان در اصفهان

۸. تقدیر در جشنواره

سینما حقیقت در یزد

برای فیلم مریم مقدس

۹. تندیس جشن نفس

(اهدای عضو) برای

فیلم آسمان هشتم

۱۰. تقدیر در جشن

سینمای تجربی وزارت

ارشاد برای فیلم آسمان

هشتم

۱۱. بزرگداشت برای

فعالیت های مدیریتی

برای تئاتر بعد از انقلاب

در تالار وحدت

۱۲. بزرگداشت به عنوان

یکی از فعالان تئاتر و

سینمای دفاع مقدس

در حوزه هنری

۱۳. تندیس ققنوس از

جشنواره فیلم و تئاتر

دفاع مقدس

۱۴. دریافت لوح

تقدیر برای نوشتن

نمایشنامه های زال و

بایگانی

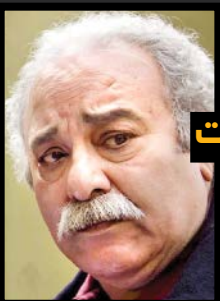
۱۵. بزرگداشت در

جشنواره فیلم فجر

۱۶. بزرگداشت در

مراسم سینمای پس از

انقلاب در حوزه هنری



«سر دلبران» و روایت معنویت در دل یک قصه اجتماعی



«سه در چهار» و زندگی شیرین و پرچالش دو خانواده



«صاحب دلان» و قصه قرآنی برادران جاویدیان